

سومین کارگاه گروه کلام در مدرسه تابستانی مجمع عالی حکمت اسلامی مشهد با عنوان «هرمنوتیک و اندیشه اسلامی» با ارائه دکتر مسعودی مدیر گروه فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد و با حضور پرشور اساتید و طلاب و دانشجویان علاقه مند، ۲۷ و ۲۸ مرداد ماه برگزار گردید که چکیده بحث به صورت ذیل است.

دکتر مسعودی در ابتدای بحث صحبت از چیستی و چرایی هرمنوتیک کرد و در ادامه به مسأله رابطه ی میان هرمنوتیک و اندیشه ی اسلامی پرداخت. وی با توجه به رابطه ای که میان مباحث نواندیشی اسلامی در سه دهه اخیر در کشورمان با هرمنوتیک برقرار بوده است توضیح داد: سه دهه اخیر یعنی از دهه ۶۰ تا اواخر هشتاد مباحث هرمنوتیکی در کشور رواج پیدا کرد که در این میان دهه هشتاد اوج بحثهای عمیق هرمنوتیکی به ویژه هرمنوتیک فلسفی می باشد. روشنفکران بیشترین تاثیر را در آشنایی ما با هرمنوتیک داشتند که البته لزوم آن مورد سوال است. به عقیده برخی این رشته علمی بیشتر توسط نواندیشان و اصلاح طلبان مذهبی و تفکر مسیحی رنسانس در جهت تفسیر متن مقدس شکل گرفت و هدف آن چگونگی و روش فهم متن بود که بعدها تغییر روش داد و سخن بر سر ماهیت فهم به میان آمد.

مدیر گروه فلسفه دانشگاه فردوسی در ادامه به چیستی هرمنوتیک پرداخت و اقوال مختلف در تعریف و تبیین آن را نقل نمود که اهم آراء به شکل زیر است: ۱. برخی هرمنوتیک را یک فن می دانند، فن تشریح نمادها (ریکور)، ۲. برخی یک هنر، ۳. هنر تفسیر (کلادنیوس و شلایر ماخر)، ۴. برخی آن را یک نظریه می دانند، نظریه تفسیر (ابوزید)، ۵. و برخی آن را آموزه فهم (بانبر). تعابیر دیگر، هرمنوتیک را یک دانش فلسفی در مقابل اصل عدم قطعیت که یک نظریه فیزیکی و فلسفه تحلیل زبان که رویکردی نو به مسائل فلسفی است می داند، همچنین (Hermeneutics) یکی از فلسفه های مضاف، و در نهایت دانشی فلسفی که از نظریه های مربوط به فهم سخن می گوید، با تاکید بر فهم متن (Text)

استاد فلسفه دانشگاه فردوسی با کاوش در معنای لغوی و اصطلاحی هرمنوتیک عنوان کرد: عموماً گفته می شود این واژه به لحاظ ریشه لغوی به دو واژه هرمنوین (hermeneuein) در شکل فعلی آن و واژه هرمنینا (hermeneia) که قالب اسمی همان واژه قبلی است بر می گردد؛ اولی به معنای تفسیر کردن و تاویل کردن و دومی به معنای تفسیر یا تاویل. صورت های دیگری نیز از این دو واژه در متون یونان باستان استفاده شده است مانند: استفاده ارسطو از این واژه در ارغنون که یکی از رساله های نه گانه کتاب با عنوان باری ارمیناس / فی العبارة / در باره تفسیر نام گذاری شده است. (همان رساله ای که ارسطو در باره قضایا، در منطق ارائه کرد) همچنین از این دو واژه بصورت اسم در رساله های افلاطون و نیز در آثار اکثر نویسندگان یونان چون گزنفون، پلوتارک، اورپیدس، اپیکوروس، لوکریوس، و لونگینوس استفاده شده است. در تدقیق معنای لغوی واژه هرمنوتیک باید به ریشه نهایی این واژه های

یونانی و کاربردهای آنها توجه کرد؛ تمام این واژه‌ها و کاربردها نسبتی با هرمس یکی از خدایان درجه دو یونان دارد؛ خدای پیام‌رسان. هرمس در آوردن و ابلاغ پیام خدایان برای انسان‌ها سه کار می‌کرد: ۱. بیان کردن پیام با صدای بلند، ۲. توضیح دادن و تفسیر کردن، ۳. ترجمه کردن. مبنا و نتیجه کار هرمس این بود: چیزی که بیگانه، غریب و جدا افتاده در زمان و مکان و تجربه بود را تبدیل به امری آشنا و حاضر و قابل فهم می‌کرد. وی امر دور را نزدیک، امر ناپیدا را پیدا و امر غریب را آشنا و امر نامفهوم را به امر مفهومی و آشنا تبدیل می‌کرد. بنظر می‌رسد مسعودی خاطر نشان کرد: هرمنوتیک از نظر لغوی یعنی کاری هرمنسی انجام دادن. اما در معنای اصطلاحی یعنی دانش هرمنوتیک (Hermeneutics). وی در تکمله بحث افزود اگر کسی پرسد با توجه به این که در تقسیمات هرمنوتیک یکی از شاخه‌های هرمنوتیک را به نام هرمنوتیک فلسفی می‌نامند. آیا این بمعنای این است که سایر اقسام هرمنوتیک غیر فلسفی است؟ پاسخ این است خیر. در آن نام گذاری عنوان فلسفی به معنای خاصی است و گرنه تمام انواع هرمنوتیک فلسفی هستند.

دکتر مسعودی در پاسخ به این پرسش که چرا متفکران مسلمان، آن هم روشنفکران و اصلاح طلبان مذهبی از هرمنوتیک به نحو گسترده استفاده کردند؟ گفت: دو پاسخ به این پرسش می‌توان بیان کرد. ۱. پاسخ ساده، ۲. پاسخ تحلیلی. پاسخ ساده این است که بگوییم: هرمنوتیک مهم‌ترین ابزار نواندیشی دینی و اصلاح طلبی مذهبی است. هرمنوتیک ابزاری بود برای کشیشان پروتستان و توسعه هرمنوتیک در دوره رنسانس و دنیای مدرن که امثال دانه‌اور و شلایر ماخر از جمله آنان بودند. آنان در مساله‌ی هرمنوتیک قدسی یا تاویل کتاب مقدس و نیز داستان هرمنوتیک در تولیدات پروتستان‌ها نقش بسزایی داشتند. اما پاسخ تحلیلی به این پرسش اینگونه است که: مدل تحلیلی مدلی شناخت درمان گرایانه در حل مسائل است.

معاون آموزشی- پژوهشی مجمع عالی حکمت اسلامی مشهد در ادامه به رابطه میان هرمنوتیک و تاثیر آن بر اندیشه اسلامی پرداخت و پس از بررسی مسأله دغدغه نواندیشان مسلمان در ۱۵۰ سال اخیر و همچنین مساله انحطاط تمدن اسلامی و از همه مهمتر مساله‌ی اسلام و مدرنیته به پاسخهای نواندیشان مسلمان از سید جمال تا مطهری به این مسائل پرداخت و پاسخهای آنان را در دو دسته رفتار درمانی و شناخت درمانی جای داد و افزود: طرفداران رفتار درمانی چون سید جمال الدین اسدآبادی و عبده و رشید رضا و اخوان المسلمین و بسیاری از نوگرایان سنتی مشکل در رفتارهای دینی ما می‌دانند و به همین دلیل راه حل بازگشت عملی به اسلام اصیل شعار آنان است. وی همچنین ابراز داشت: طرفداران شناخت درمانی، مانند محمد اقبال، و نوع متفکران و نوگرایان پس از وی، حتی سنت‌گرایانی چون استاد مطهری و امام خمینی (ره) راه حل اصلی را شناخت ما از سنت و مدرنیته و تاثیرات آن و همچنین خواسته‌های بشر امروزی و در نتیجه اصلاح و تغییر می‌دانند. این مساله در کتاب ده گفتار استاد مطهری و کتاب **Reconstruction of Religious Thought in Islam** محمد اقبال به خوبی نمایان شده است.

مدیر گروه کلام مجمع عالی حکمت مشهد عنوان داشت: اگر پرسیده شود جایگاه هرمنوتیک در پروژه شناخت درمانی نواندیشان مسلمان کجاست؟ پاسخ این است که: شناخت درمانی همان پروژه تغییر فهم هاست و این تنها از راه هرمنوتیک میسر خواهد بود زیرا، هرمنوتیک بهترین ابزار برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به این تغییر فهم و بهترین سازوکار برای این تغییر فهم است.

دکتر مسعودی در ادامه به ذکر سه نمونه از نمونه های بارز آن پرداخت که با پروژه شناخت درمانی سعی در حل پروژه تغییر فهم ها کردند. اولین نمونه در نظریه قبض و بسط تئوریک سروش بود که معرفت دینی را متمایز از دین می داند و نتیجه آن قداست زدائی از فهم و معرفت دینی است. نمونه دوم آن تمرکز شبستری و دیگر نواندیشان مسلمان بر قرائت رسمی از دین و نقد آن است که قداست زدائی از فهم و قرائت مشهور و متعارف را به دنبال دارد. نمونه سوم، تمرکز ابوزید و سروش بر تفسیر بشری و مدرن از وحی و نبوت است که قداست زدائی از متن مقدس نتیجه آن است.

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی در پایان خاطرنشان کرد: این که کدام هرمنوتیک مناسب پروژه روشنفکران مسلمان است؟ و این که آیا هرمنوتیک فقط ابزار پیشبرد نظریه روشنفکران نوگراست؟

افزود در پاسخ پرسش اول به نظر می رسد نواندیشان نوگرا بیشتر به هرمنوتیک مدرن، هرمنوتیک فلسفی و هرمنوتیک نسبی گرا (تاریخی گرا) رغبت بیشتری نشان دادند تا دیگر مکاتب هرمنوتیک. نسبت به پاسخ دوم باید گفت: هرمنوتیک به عنوان دانش فلسفی بیان کننده نظریه های فهم و تفسیر متن، برای تمام اندیشمندانی که با مساله فهم متن سرو کار دارند مفید و بلکه ضروری است. پس هرمنوتیک دانشی ضروری برای همه متعاطیان علوم و معارف دینی است. از نمونه های قواعد معروف در هرمنوتیک کلاسیک و هرمنوتیک مدرن که قابلیت بهره برداری در معارف دینی را دارد عبارتند از: دور هرمنوتیکی و رابطه عقل و وحی.

در پایان اساتید و دانشجویان و طلاب وارد بحث و گفتگو با دکتر مسعودی در برخی مسائل هرمنوتیکی شدند که وی به آنان پاسخ گفت.

لازم به ذکر است که کارگاه هرمنوتیک و اندیشه اسلامی طی دو روز از چهارشنبه ۲۷ مرداد از ساعت ۱۶ تا ۲۰ و پنج شنبه ۲۸ مرداد از ساعت ۸ تا ۱۲ ظهر در محل مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار گردید.